www.jgk.imamreza.ac.ir

پژوهشنامه خراسان بزرگ

دوره ۱۴، شماره ۵۰، بهار ۱۴۰۲

ISC | MSRT | ICI

شاپا چاپی: ۶۱۳۱-۲۲۵۱ شاپا الکترونیکی: ۱۶۷۱-۲۷۱۷

مقاله پژوهشی

گونه‌شناسی نقوش طلسم در پوشاک و زیورآلات اقوام کرد روستاهای کلات، لایین و زاوین

جواد امین خندقی[الف]، فهیمه خیابانی فرد*[ب]

الف) استادیار، گروه ادبیات نمایشی، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران (j.amin@ferdowsmashhad.ac.ir)

ب) مدرس مدعو، گروه طراحی و دوخت، دانشکده هنر، دانشگاه فنی وحرفه‌ای، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

شماره صفحات: ۴۴-۲۹

واژگان کلیدی:

نقش، طلسم، پوشاک، زیورآلات، اقوام کرد خراسان رضوی

استناد به مقاله:

امین خندقی، جواد؛ خیابانی فرد، فهیمه . (۱۴۰۲). گونه‌شناسی نقوش طلسم در پوشاک و زیورآلات اقوام کرد روستاهای کلات، لایین و زاوین. *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، ١٤ (٥٠)، ٢٩-٤٤.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید.

چکیده

طلسم، بخشی از علوم غریبه است که در تمدن اسلامی، ریشه دینی دارد. از این‌رو، در عموم نقوش طلسم، آیات قرآن، اسامی یا صفات خدا درج شده است. یکی از مهم‌ترین موارد کاربرد طلسم، پوشاک و زیورآلات به شمار می‌رود. پوشاک و زیورآلات، سرآمد مهم‌ترین وسایل کاربردی بشر از گذشته تاکنون بوده است و دارای کارکرد حفاظتی و همچنین بازتاب‌دهندهٔ اندیشهٔ مذهبی هر شخص است که در قالب پوشاک نمایان می‌شود. این امر در جغرافیای فرهنگ کردنشین خراسان جایگاه ویژه‌ای دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که چه گونه‌هایی از نقوش طلسم در پوشاک و زیورآلات اقوام کرد خراسان رضوی (روستاهای کلات، لایین و زاوین) وجود دارد؟ این پژوهش توصیفی-تحلیلی و در آن، برای گردآوری اطلاعات از شیوه کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی و برای تحلیل، از شیوهٔ کیفی استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از مجموع نمونه‌های بررسی‌شده، ۹ مورد نقش اصلی طلسم در روستاهای کلات، لایین و زاوین وجود دارد. نقوش در آثار موردمطالعه را می‌توان به سه دسته طلسم هندسی، جانوری و کیهانی طبقه‌بندی نمود. همچنین می‌توان بیان داشت که نقوش بر اساس تخیلات و علوم غریبه برخاسته از اعتقادات و باورهای این اقوام بوده که بار معنای نمادین همان فرهنگ را دارند.

DOI: https://doi.org/10.22034/JGK.2023.323546.1020
URL:https://jgk.imamreza.ac.ir/publisher?_action=publish&article=171990&related_issue=23532

نویسنده مسئول مکاتبات: (f.khiabany.designer@gmail.com)

مقدمه

از ابتدای تاریخ، همواره گروهی از انسان‌ها برای مقابله با مشکلات طبیعی یا غیر آن، به سحر و جادو پناه می‌بردند. این یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای ارتباط با ماورا بوده است. یکی از ابزارهای بهره‌گیری از سحر و جادو، استفاده از طلسم‌ها است. طلسم‌ها در قالب‌های مختلفی ساخته و گاه در قالب نقوش بر روی لباس‌ها یا زیورآلات استفاده می‌شوند. این امر در اقوام ایرانی رایج و در مناطق غیرشهری نیز تجلی بیشتری دارد. ازجمله اقوامی که از طلسم در پوشاک و زیورآلات خود استفاده می‌کنند، اقوام کرد خراسان رضوی هستند. طلسم‌ها ابعاد مختلفی را در برمی‌گیرند و می‌توان آن‌ها را از منظرهای مختلفی تحلیل کرد. یکی از این منظرها، پرداختن و تحلیل زیباشناختی نقوش آنان است. بر این اساس، هدف از پژوهش حاضر بررسی نقوش اصلی طلسم‌ها در پوشاک و زیورآلات اقوام کرد خراسان رضوی در روستاهای کلات، لایین و زاوین است. این پژوهش سبب بازشناسی نقوش طلسم‌ها به‌عنوان یکی از صنایع‌دستی محسوب شده و جنبه‌های فرهنگی این قوم را آشکار می‌کند. در پی آن، معانی طلسم‌ها تبیین می‌شود. از این‌رو، پس از تبیین برخی از مفاهیم، به‌عنوان ادبیات تحقیق، مهم‌ترین گونه‌های نقوش طلسم در مورد مطالعاتی بررسی می‌شود.

پیشینه پژوهش

جست‌وجوی منابع بیانگر این امر است که هیچ پیشینه‌ای با اشتراک مستقیم در مسئله این پژوهش یافت نشد، اما می‌توان به برخی از منابع به‌عنوان پیشینهٔ عام این پژوهش اشاره کرد. آتوسا گودرزیان در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی نقوش به‌کاررفته در آثار هنری وابسته به علوم غریبه و طلسم‌های ایرانی» به جنبه‌های هنری مرتبط با علوم غریبه و طلسم پرداخته و آن‌ها را سرآغازی برای هنر می‌داند. در این پژوهش طبقه‌بندی و شناخت نقوش به‌کاررفته در مصنوعات مرتبط با علوم غریبه نیز بررسی می‌شود. راضیه شیرانی نیز در مقاله‌ای با عنوان «رویکرد نمادین و تصویری به طلسم ایرانی» به این امر می‌پردازد که نقوش طلسم‌های ایرانی علاوه بر تصویرسازی از عدد و حروف بهره می‌گرفتند. همچنین این پژوهش تقسیم‌بندی نقوش طلسم ایرانی را ارائه می‌کند. شیرین مهماندوست در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بازنمایی المان‌های به‌کاررفته در طلسمات» به بررسی مختصر پیشینه تاریخی طلسمات، جایگاه و مفهومی که در باورهای خود دارند و بررسی نمادین تصویری و ساختاری آن‌ها و به تأثیراتی که بر هنر تجسمی داشته‌اند، می‌پردازد.

همچنین داریوش رحمانیان و زهرا حاتمی در مقاله‌ای با عنوان «سحر و جادو طلسم و تعویذ و دنیای زنان در عصر قاجار» به چرایی و چگونگی به وجود آمدن تصور ارتباط استفاده از طلسم با زنانگی می‌پردازند و این امر را خرافات مبتنی بر فکر و فرهنگ مردسالار می‌دانند. عفت السادات افضل طوسی و مونس سنجی در مقاله‌ای با عنوان «آرایه‌ها و نگاره‌های مرتبط با چشم‌زخم در دستبافته‌های اقوام ایرانی» به روش تطبیقی و تحلیلی با جمع‌آوری اطلاعات مکتوب و میدانی کوشیده‌اند تا به اشکال رایج در بیان تجسمی چشم‌زخم دست یابند. مطابق یافته‌های این تحقیق، میان نقوش تعویذ چشم‌زخم در دستبافته‌ها با شکل چشم رابطه معناداری وجود دارد. شادی ودایی نیز در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی نقوش طلسم‌ها و تعویذها از دورهٔ صفوی تا پایان دورهٔ قاجار» ۱۱۲ نمونه از طلسمات و تعاوید را بررسی و نتیجه می‌گیرد که این نقوش بخشی از زندگی مردم آن دوران بوده‌اند و نیز از لحاظ بصری اگرچه نقش‌ها ساده و تجریدی‌اند، اما دارای غنای هنری هستند. همچنین سحر غیبی در پایان‌نامه‌ای با عنوان «جایگاه طلسم و تعویذ در دوران قاجار و حضور و بروز آن در زیورآلات» با جایگاه هنری طلسم و تعویذ در دوره قاجار و تأثیر آن بر زندگی مردم آن دوره می‌پردازد.

ونوس سرابیار در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی تحلیلی و تطبیقی البسه محلی کردنشینان خراسان از منظر طرح و نقش، مطالعه موردی: لائین، قوچان، سرحد» به تطبیق لباس کردی سه منطقه کلات و قوچان و سرحد می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که دستبافته‌های اقوام کرمانج دارای نقوش و طرح‌های اصلی هستند. همچنین پروین بابایی و فاطمه اکبری در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جایگاه سکه در زیورآلات و تزئینات پوشاک زنان در ایران» به بررسی کاربردهای مختلف سکه در زیورآلات و تزئینات پوشاک زنان پرداخته‌اند. حسین رضاپور نیز در پایان‌نامه‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی نقوش

به‌کاررفته در پوشاک و گلیم اقوام ترک و کرمانج شهرستان کلات نادر با رویکرد انسان‌شناسی هنر» با استفاده از رویکرد انسان‌شناسی به شناخت و دسته‌بندی نقوش به‌کاررفته در پوشاک و گلیم پرداخته است.

علیرضا شیخی، عصمت فیاض و میترا شجاعی مقدم در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه نقش پاپوش‌ها و نمادهای اصلی آن در اقوام زعفرانلو و شادلو ایل کرمانج خراسان» به دسته‌بندی نقوش و بازشناسی نمادهای برتر و معنا و مفهوم در پاپوش‌های اقوام زعفرانلو و شادلو در شهرستان‌های شیروان، بجنورد، قوچان و کلات نادری می‌پردازند. همچنین ابوالقاسم نعمت شهربابکی و سمیه میرنژاد در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقوش آویز بافته‌های طلسمی و تعویذی در سیستان و بلوچستان» به این موضوع می‌پردازند که چگونه نقوش مرتبط با طلسم و تعویذ روی دست‌بافته‌های کاربردی زندگی نقش بسته است و دلیل کاربرد این نقوش در این دست‌بافته‌ها چیست و نتیجه می‌گیرند که نقوش در دست‌بافته‌ها علاوه بر جنبه تزئینی و کاربردی، جهت بازتاب آرزوها، خواسته‌ها، بیان ترس و اعتقادات مردم منطقه، بوده است.

پژوهش حاضر از این جهت که به بررسی نقوش طلسم در پوشاک و زیورآلات می‌پردازد، با مواردی از پیشینه اشتراک مسئله دارد، اما تفاوت و نوآوری پژوهش حاضر در مقایسه با موارد بالا در چند زمینه است: ۱. جامعهٔ آماری در این پژوهش، روستاهای کلات، لایین و زاوین است که در موارد پیشین در کنار هم بررسی نشده‌اند. ۲. بررسی در این پژوهش در راستای معرفی نقوش اصلی و کلیدی طلسم در پوشاک و زیورآلات اقوام کرد است که در موارد پیشینه نیست. ۳. نقوش طلسم در پوشاک و زیورآلات اقوام کرد در کنار هم تحلیل می‌شوند.

روش پژوهش و نمونه‌گیری

ماهیت پژوهش حاضر توسعه‌ای و از نوع بنیادی به شمار می‌رود. در بخش مبانی نظری، برای گردآوری اطلاعات، از شیوه گردآوری کتابخانه‌ای و برای تحلیل، از شیوهٔ کیفی استفاده شده است. در بخش بررسی مورد مطالعاتی، نمونه‌گیری به‌صورت پیمایشی صورت پذیرفته است و تمام موارد موجود در روستاهای کلات، لایین و زاوین موردبررسی قرار گرفته است. در گام بعدی، مصاحبه با متخصصان در تیرماه ۱۳۹۹ش. انجام شده است که موارد آن عبارت‌اند از:

۱. شهین پزشکی، هنرمند و پژوهشگر دوخت‌های سنتی ایران، متولد ۱۳۳۷.
۲. ژاله محسنی، هنرمند و پژوهشگر دوخت‌های سنتی ایران، متولد ۱۳۲۰.
۳. بیگم ضیایی، هنرمند صنایع‌دستی شهرستان لایین، متولد ۱۳۱۵.
۴. عصمت رضایی، هنرمند صنایع‌دستی شهرستان لایین، متولد ۱۳۴۸.
۵. زهرا فلاحتی، هنرمند صنایع‌دستی شهرستان زاوین، متولد ۱۳۱۳.
۶. جمیله ارجمند، هنرمند صنایع‌دستی شهرستان کلات نادر، متولد ۱۳۰۰.
۷. فرنگیس شادمان، کارشناس دوخت‌های سنتی ایران، متولد ۱۳۴۵.
۸. نرگس قره شیر، هنرمند صنایع‌دستی ایران، متولد ۱۳۴۵.
۹. مجید سپهری، پژوهشگر تاریخ ایران، متولد ۱۳۴۷.

مبتنی بر مصاحبه، نقوش بررسی شد و حاصل آن، ۹ نقش اصلی مرتبط با طلسم است. بقیه نقوش به‌دست‌آمده ارتباطی با طلسم نداشتند. از این‌رو، این ۹ نقش، حاصل بررسی نمونه‌های موجود هستند و تمام نمونه‌ها به این نقوش محدود نمی‌شود. موارد گزینش‌شده نوعی نقوش پرتکرار هستند (عسکری الموتی، ۱۳۹۵: ۱۷). درنهایت، نقوش به‌دست‌آمده تحلیل و بررسی شد که در بخش تحلیل نقوش آمده‌اند.

مبانی نظری

علوم غریبه: از ابتدای تاریخ، انسان در برابر مشکلات طبیعی یا تصور مسائل ماورای طبیعت تلاش می‌کرد تا به‌گونه‌ای بر آن‌ها فائق آید و گاهی به سحر و جادو پناه می‌برد (Churchward, 2018: 27). بر همین اساس، در طول تاریخ، علومی در راستای کنترل امور ماورای ماده پدید آمد. این علوم به‌عنوان «علوم غریبه» نام گرفت. منظور از این علوم، دانش‌هایی مربوط به جنبهٔ پنهان اشیا و رموز است (سیف، ۱۳۸۵: ۷). این علوم به چهار گروه تقسیم می‌شوند:

تعویذ: به معنای پناه بردن، پناه دادن و در امان نگه‌داشتن است. در اصطلاح، چیزی است که برای دعا خواندن و حرز آویختن بر انسان‌ها، جانوران یا اشیاء در جهت محافظت از دفع چشم‌زخم استفاده می‌شود. تعاوید در خدمت مقاصد دنیوی بوده و با علوم دینی متفاوت هستند (مهماندوست، ۱۳۹۰: ۳۲).

حرز: حرز به معنای سپر دفاعی، عامل محافظت‌کننده و دعای خواندنی یا نوشتنی است که به‌وسیلهٔ آن پناه جویند. مضامین حرزها، به‌طورکلی، مربوط به توکل بر خداوند و پرهیز از پناه جستن به شیطان است (همان: ۲۳).

دعا: در ملت‌های مختلف، ادیان گوناگون و سنن و رسوم متفاوت در طول زمان‌های بسیار هرکدام برای خود اوراد و اذکار و ادعیه مخصوصی دارند (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۱۳۲-۱۳۴). دعا رابطه بدون واسطه است و در ادبیات دینی نیز استفاده می‌شود (دین‌پرست، ۱۳۹۱: ۳۰).

طلسم: غالباً طلسم، سحر و جادو مترادف هم شناخته می‌شوند، اما در این دو موضوع تفاوت‌های بسیاری دیده می‌شود (Zipes, 2002: 23-25). سحر و جادو در اسلام منع شده است (ن.ک: انصاری، ۱۴۴۰)، اما طلسم شاخه‌ای از علوم غریبه است که حتی برخی این علوم را به امامان و پیامبران نسبت داده‌اند (مهماندوست، ۱۳۹۰: ۷). در طلسم‌ها نقش‌هایی همچون هندسی، گیاهی، جانوری و اشیاء دیده می‌شود که بعضی از آن‌ها به‌تدریج در تاریخ محو شده‌اند و برخی دیگر تا امروز در شاخه‌های هنر سنتی دیده می‌شوند (Dresser, 1994: 52-55). طلسم عمدتاً بر پایهٔ نیایش به درگاه خدا، با بهره‌گیری از آیات قرآن، ادعیه مذهبي شکل‌گرفته و استوار شده است (میراندا، ۱۳۹۴: ۲۵۴). «طلسم و تعویذ را می‌توان یکی از نخستین ظواهر فرهنگی بشر به شمار آورد و آن را با خلقت انسان برابر دانست. در مقام مقایسه، شاید حتی بتوان برای طلسم و تعویذ قدمتی وَرای اسطوره قائل شد، زیرا اسطوره زاییده اجتماعات بشری بود، حال آن‌که پیش از اجتماعات، زمانی که بشر به‌تنهایی به شکار می‌پرداخت و از گوشت آن سدّ جوع می‌کرد، قسمت‌هایی از شکار خود، ازجمله استخوان، پوست، دندان، پنجه و پَر آن را به خود می‌آویخت و یا درجایی حفظ می‌کرد و از آن چون طلسم و تعویذ بهره می‌گرفت. همزمان با اولین انقلاب صنعتی که بین سه تا پنج هزار سال پیش صورت گرفت و بشر موفق به ذوب فلزات شد، نوعی صنعت طلسمی در کنار صنایع دیگر رو به رشد گذاشت و اشیاء فلزی ریزی برای آویختن بر سر و گردن و دست ساخته شد تا مردم و دارایی آن‌ها را از گزند حوادث مصون بدارد» (تناولی، ۱۳۸۵: ۱۱).

استفاده از طلسم: انسان همواره از طریق مفاهیم نمادین با محیط پیرامونش ارتباط برقرار کرده است. اعمالي جادويي و دست‌آويز قرار دادن ابزاري خاص در قالب نمادها یکی از این راه‌ها بوده است (Longo and Sanctis, 2015: 37). همچنین می‌توان به برگزاری مراسم آیینی چون رقص‌ها، پوشیدن ماسک‌ها، لباس‌های مخصوص، رنگ‌آمیزی بدن جنگجویان و غیره اشاره کرد (Rappaport, 1999: 75). این امور، نوع تلاش آدمی در ایجاد ارتباط معنوی با نیروهای ماوراءالطبیعه به شمار می‌رود (Rossano, 2020: 6). طلسم، یکی از مواردی که در این زمینه کارکرد مهمی داشته است. در هر تمدن و سنت فرهنگی، طلسم به گونه‌های مختلفی استفاده می‌شود. این امر بازگشت مستقیمی به باورها و اندیشه‌های انسان‌ها دارد. در برخی از فرهنگ‌ها، استفاده از طلسم جنبهٔ تزئینی دارد، اما همواره معانی و مفاهیم ماورایی نیز همراه طلسم‌ها بوده است که نسل به نسل انتقال یافته است. امروزه طلسم به اشکال مختلفی بر روی لباس و زیورآلات یافت می‌شود (آشتیانی، ۱۳۸۵: ۱۲۸). بررسی موارد استفاده از طلسم می‌تواند جنبه‌های مختلفی از دیدگاه انسان‌ها در باب مسائل ماورای ماده را روشن سازد.

اقوام کرد خراسان رضوی

در میان اقوام ایرانی، قوم کرد یکی از گروه‌های آریایی محسوب می‌شود که در منطقه کردستان می‌زیسته‌اند. آن‌ها حدود سه تا پنج هزار سال پیش، به همراه آریایی‌ها به منطقه کردستان و فارس آمده‌اند. «ازآنجاکه کردها بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین قبایل بزرگ آریایی سرزمین ایران هستند و در نواحی کوهستانی غرب فلات ایران از دیرباز سکونت گزیده‌اند و با تلاش اولین سلطنت پادشاهی ماد که تمام مردم ایران را زیر چتر و کلمه واحدی به نام ایران درآورده، در طول قرون و اعصار به وجه شایسته‌ای در مقابل جزر و مد

حوادث در حفظ و اشاعه میراث گران‌بهای فرهنگی و بروز ملیت خویش کامیاب شده رشادت و سلحشوری خود را در سینه تاریخ به ثبت رسانده‌اند» (توحدی،۱۳٦٦: ۳/۳). با توجه به این‌که در سال‌های اخیر بیشتر اسناد موجود مربوط به کردهای خراسان به علت دگرگونی سلاطین و رژیم‌ها و بروز انقلاب از بین رفته است، اسنادی از کردهای کلات، لایین و زاوین وجود دارد که به اوایل سلطنت صفویه مربوط می‌شود. شاه‌عباس صفوی برای صیانت مملکت از تاخت و تاز ترکمن‌ها و ازبکان، تصمیم گرفت که کردهای جنگجو را از بخش‌های غربی ایران به خراسان کوچ دهد. البته خراسان در دوره‌ای کانون دعوت عباسیان نیز به شمار می‌رود (ناظمیان فرد، ۱۳۹٦: ۳۲-۳۰).این جنگاوران سلحشورِ چادرنشین در مرزها و کوهستان‌های شمالی خراسان ساکن شدند (سربیار، ۱۳۹۵: ۲). شاید شرایط محیطی خراسان نیز در این امر تاثیر مهمی داشته است (ن.ک: خالدی و همکاران، ۱۳۹۰).

یکی از دیداری‌ترین و درعین‌حال زنده‌ترین نمونه‌های حیات فرهنگی یک جامعه، پوشاک و نوع لباس مردم جامعه است. آشنایی با تاریخ لباس و پوشاک، نه‌تنها ما را با ظاهر مردمانی که در ادوار مختلف تاریخی زندگی می‌کرده‌اند، آشنا می‌سازد، بلکه دربارۀ انواع سلیقه‌ها، نوع دوخت و رنگ مدل‌های مختلف لباس، بافت انواع پارچه‌ها، صادرات و واردات و قیمت البسه و پوشاک، تأثیرپذیری و تقلید از لباس مردمان نواحی دیگر، اختصاص پوشاک خاص به گروه یا طبقه اجتماعی و همچنین دربارۀ چگونگی روند و تکامل انواع پوشش‌ها، اطلاعات مفید و جالب‌توجهی ارائه می‌کند (چیت‌ساز، ۱۳۸٦: ۲). کرمانج‌های خراسان مردمی صاحب‌ذوق هستند. یکی دیگر از عمده ویژگی‌های قوم کرمانج خراسان که افراد این قوم را از دیگر اقوام ممتاز می‌کند، پوشش مردان و زنان این قوم است. دست‌بافته‌های اقوام کرمانج دارای نقوش و طرح‌های اصیلی است که در زندگی روزمره به کار گرفته می‌شود. در گذشته، بیشترین مصارف زیورآلات اقوام کرد از جنس نقره بوده است و دلیل آن نیز به اعتقاداتی برمی‌گردد (سرابیار، ۱۳۹۵: ۲).

قوم کرد به‌عنوان قوم سلحشور که در سراسر تاریخ تمدن خود با این صفت شناخته شده‌اند، از پوشاک و زیورآلات ویژه‌ای برخوردارند. پس از امنیت یافتن در مناطق خراسان رضوی (کلات، لایین، زاوین)، توانستند به ابداع و خلاقیت عناصر پوشاک و زیورآلاتشان بپردازند. محیط‌زیست کردها از زیباترین و سردترین مناطق نجد ایران به شمار می‌آید. آنان لباس‌هایی بر تن می‌کنند که در عین زیبایی، بسیار جنبۀ کاربردی دارد و متناسب با محیط‌زیست و نوع فعالیت آن‌ها است (غیبی، ۱۳۹۱: ۳۸٦). کردهای خراسان رضوی دارای اشتراکات زیادی با سایر اقوام ایرانی هستند که یکی از عناصر مهم صنایع‌دستی و هنر بومی آن‌ها محسوب می‌شود. در بین صنایع‌دستی، بافته‌ها یکی از مهم‌ترین عناصر بازنمایی و ذوق در بین زنان کرد خراسان را شکل می‌دهد. هر یک از این بافته‌ها دارای نقوش و طرح‌های اصیلی هستند که در زندگی روزمره آنان به کار می‌رفته است که نشان از عقاید، اندیشه و منابع الهام‌بخش زنان کرد در طول تاریخ بوده است (ابول‌تختی، ۱۳۹۲: ۹۰).

اجزای پوشاک و زیورآلات اقوام کرد خراسان رضوی (کلات، لایین، زاوین)

مهم‌ترین اجزای پوشش اقوام کرد خراسان رضوی، شامل موارد زیر می‌شود:

پیراهن: پیراهنی که زنان قوم کرد می‌پوشند، فرمی بسیار ساده دارد. معمولاً در زیر گردن چاکی به بلندی ۳٤ سانتی‌متر دارد که با بندک و دکمه بسته می‌شود. نیمی از چاک یقه باز است و بقیه با نوعی دست‌دوزی دوطرفه به نام بند یا قیاق لب‌به‌لب و به‌موازات یکدیگر دوخته می‌شود. اغلب سرآستین‌ها را با نوار دست‌بافی به نام مَداخِل زینت می‌دهند (امیدی، ۱۳۸۲: ٤٤).

کت بهاره: روی کلاجه، کت کوتاه‌تری در قالبی نیم‌تنه که جلوباز است و آستین کوتاه دارد، به نام بهاره پوشیده می‌شود. معمولاً تکه‌های پول‌دوزی را که به گویش محلی به آن یَخه پول گفته می‌شود، روی آن می‌دوزند (همان).

گرا: زنان اغلب از جوراب‌های ضخیم و بلند با رنگ‌های روشن استفاده می‌کنند. بعضی‌اوقات زنان کهن‌سال جوراب مشکی ضخیم می‌پوشند، در زمستان جوراب دستباف پشمی که نقش‌های گوناگون دارد به پا می‌کنند. این جوراب با الیاف پشمی رنگ‌شده و در نقش‌های گوناگون با پنج میل بافته می‌شود و فاقدِ درز است (همان: ۵۰).

مَداخِل: نوارهایی است که به لباس، شخصیت می‌دهد و باعث فرم کلی لباس می‌شود. اکثر نقش‌ها بر روی مداخل هندسی و برگرفته از طبیعت هستند (همان: ۶۰).

مهم‌ترین زیورآلات اقوام کرد خراسان رضوی، شامل موارد زیر می‌شود:

دستینه یا زن‌پیچ (زندپیچ): این بازوبند به‌اصطلاح حلقه و یا دستبند نامیده می‌شود که روی بهاره که همان کت آستین‌کوتاه جلوباز است، از قسمت بازو یک بازوبند بسته می‌شود که با دست‌دوزی‌های ابریشمی و نقش‌های متنوع دوخته شده است (همان: ٤٤).

چَنگه: نواری نسبتاً پهن است که عرض آن ۷ سانتی‌متر و طول آن زیر چانه تا روی سر است و تکه‌های سمت چپ و راست به‌وسیلۀ نوار نخی دست‌بافت به هم متصل می‌شود و نوار نخی باریک زیر گلو قرار می‌گیرد. روی این نوار پهن با سکه مزین گردیده است (همان: ۲۸).

چپ و راسته: قلاب لوزی شکل سه‌تکه و قرینه مزین به قلم‌زنی و در ردیف پایین آن آویزهایی به نام شِرشِره که شبیه سر مار هستند، گاهی به آن پِیکام نیز می‌گویند (همان: ٤٣).

بازوبند: بازوبندی که از چهار لوله کوچک نقره‌ای و دو صفحۀ فلز قلمکار شدۀ مزین به نگین عقیق، یاقوت و یا فیروزه است و روی پارچۀ سبز دوخته‌شده و دور بازوی عروس می‌بندند. روی لوله‌ها، آیه‌الکرسی و اسامی خداوند قلم‌زنی شده و این بازوبند جنبۀ مقدسی دارد (همان: ٤٧).

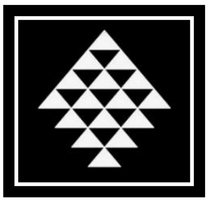
سِلسِله عروس (سربند): زیوری متشکل از قطعه‌ای چهارگوش برجسته است که در ردیف‌های زیبا به هم متصل می‌شوند. این نوع زیورآلات در حقیقت برای زیبایی‌پوش سر و بر روی پیشانی‌بند است که روی چادر عروس نصب می‌کردند. گاهی آویزه‌های زیادی بر این نوع تاج قرار دارد که زلزله هم نامیده می‌شود (ابول‌تختی، ۱۳۹۲: ۸۰).

گار: در اصطلاح بَره گوشی یا گار که همان گشواره است و بر روی کلاه در قسمت کناره‌های گوش قرار می‌گیرد (همان: ۷٤).

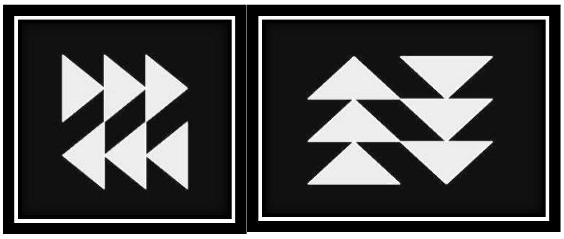
نقوش طلسم در پوشاک اقوام کرد خراسان رضوی (کلات، لایین، زاوین)

نقش، هرگونه تصویر و شکل است که به صورت‌های مختلفی ظاهر می‌شود و اجزای یک طرح به شمار می‌رود (حصوری، ۱۳۸۱: ۱۲۵). طرح، استخوان‌بندی و نظامی است که نقش‌ها بر اساس آن چیده می‌شوند. درواقع، ضوابط و معیارهای ترتیب نقش‌ها را طرح تعیین می‌کند (همان: ۷۹). نقوش موجود بر روی طلسم‌ها به دسته‌های هندسی، انسانی، جانوری، کیهانی، گیاهی و ترکیبی تقسیم می‌شوند و به لحاظ محتوا مضمون طلسمات شامل اسطوره‌ای، عددی، حروفی و ترکیبی می‌باشند (تناولی، ۱۳۸۵: ۸۷). هرکدام از این‌گونه موارد در طلسم‌ها دارای معانی نمادین یا اسطوره‌ای است که در بستر خود معنای خاصی نیز دارند. در این باره، مطالب مختلفی بیان شده است (ن.ک: گودرزیان، ۱۳۸۷؛ شیرانی، ۱۳۸۸؛ مهماندوست، ۱۳۹۰).

قوم کرد معمولاً مناطق مستعد و کوهستانی را برای زندگی انتخاب و از راه‌های دامداری و کشاورزی امرارمعاش نموده‌اند. رنگ‌ها و نقش‌های به‌کاررفته در لباس بانوان الهام گرفته‌شده از طبیعت اطراف، آرمان‌های آنان و تجربه‌های زندگی این قوم است. در این پژوهش، تنها به نقش‌هایی از لباس جغرافیای موردمطالعه پرداخته می‌شود که با طلسم در ارتباط است. در ادامه نقش‌های اصلی طلسم لباس کردهای روستاهای کلات، لایین و زاوین ارائه می‌شود:

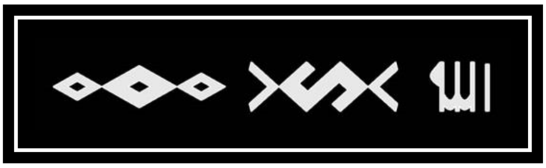


تصویر ۱: نقش پیراهن (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۲: نقش پیراهن (مأخذ: نگارندگان)

نقش پیراهن: نقشی که از تکرار ۱۶ مثلث ایستاده در رأس بالا به‌صورت مورب در قسمت پیش‌سینه پیراهن اقوام کرد با نخ‌های ابریشم و با چیره‌دستی هنرمند با ظرافت نقش‌دوزی شده است. تعداد هر یک از مثلث‌ها متغیر است. بر اساس متغیر بودنشان، نام آن‌ها متفاوت است. طرح‌ها کاملاً خلاصه‌شده و دور از واقعیت هستند که با تکرار اشکال مثلثی شکل پلکانی فرم (درخت کاج) را به‌صورت انتزاعی به خود گرفته‌اند. نام کُردی آن در بین اقوام کرد قوش دیلی[1] است (تصویر ۱). طرح دیگر که در حاشیهٔ لباس به‌صورت مثلث‌های واژگون رو به پایین و رو به بالا در جهت افقی چپ و راست قرار گرفته‌اند، رِزارِز[2] نام دارد (تصویر ۲). در این نقوش، پنج رنگ سفید، آبی، زرد، سبز و مشکی استفاده شده است که نماد روشنی و نور امید، پاکی، نماد صلح و دوستی هستند. همچنین آسمان نیلگون بر روی لباس، همان آب حیات و گاهی به مصداق زندگانی توأم با آرامش و صلح است. گاهی لباس دارای امواج است که نشان از جریان زندگی دارد. مبتنی بر مصاحبه‌ها، گمان می‌رود این نقش از طلسمات علوم غریبه به شمار آید، چراکه در این نقوش، زندگی و حیات، تولد دوباره و طبیعت الهی جریان دارد و همچنین پایه بناها و پلکانی بودنشان به‌نوعی جهت‌نمایی است که بشر را برای هدایت به‌سوی پیشرفت تمدن راهنمایی کند و راهی به‌سوی بهروزی و فتح کمالات و پیشرفت توسعه به آنان نیز نشان دهد.



تصویر ۳: نقش مَداخِل (مأخذ: نگارندگان)

نقش مَداخِل: نقش کارشده روی این نواربافی (تصویر ۳)، حاکی از کلمه «الله» و فرمی به شکل S دارد و از ابزاری همچون قیچی پشم‌بری و حیوانی مانند بزِ نر که در طبیعت اطراف آنان بوده الهام گرفته و بر روی نوار توسط بانوی هنرمند نقش‌دوزی شده است. این نواربافی در سراسر کتی به نام کُلِجه[3] دوخته می‌شود. به نظر می‌رسد نقش و حروفی که بر روی این نواربافی بافته شده است، تلفیقی از طلسم حیوانی و حروف باشد. ازآنجاکه این نوار بر روی لباس رزم مردان قدیم استفاده می‌شده است، امروزه آن را بر تن‌پوش بانوان مشاهده می‌کنیم. نام الله و نام حضرت علی(ع) و حتی سایر امامان، فقط بر روی این نوار بافته می‌شده است. نقوش حیوانی از موجودات زنده در دامداری‌ها و از اشیاء در دسترس این اقوام بهره می‌جسته‌اند. همان‌طور که در علوم غریبه، در علم سیمیا از شکل حیوانات بهره گرفته شده است، هر یک از این تصاویر می‌تواند معنایی از امور ماورایی را گویا باشد. کلمه الله محافظت‌کننده انسان و راه رسیدن به مقصود نهایی است. نام امامان به‌نوعی باعث قوت قلب مردان مبارز در میدان جنگ و همچنین الگوی آنان همچون آن حضرت در میدان نبرد نیز است. این نقش‌ها امروزه بر تن بانوان باعث تجدیدقوای نیروی حیات و باروری آنان می‌شود.

1. Qus Dili
2. Rezarez
3. kolaje



تصویر ٤: نقش گرا (مأخذ: نگارندگان)

نقش گرا: نقوشی که بر روی گرا مورد استفاده قرار گرفته است، از اشکال هندسی مثلث و تکرار آن به نقش (عقرب) نام‌گذاری شده است (تصویر ۴). به نظر می‌رسد در هر ردیف از این گرا، نقش‌های مختلفی کار شده است که طلسمات جانوری در آن مشاهده می‌شود. در ردیف اول، چَنگه (قلاب) و ردیف دوم، عقرب و ردیف سوم، تکرار نقش چنگه و در ردیف آخر، نقش شاخ قوچ است. رنگ‌های به‌کاررفته در این جوراب، مشکی، قرمز، سفید، سبز و آبی است که میزان رنگ قرمز در طرح عقرب بیشتر به چشم می‌خورد. این جوراب برای فصل زمستان مورد استفاده بانوان در منزل است که از هرگونه سرما آنان را محافظت می‌کند. نقش عقرب از دوران کهن مورد استفاده بوده است. در علوم غریبه و تصاویری طلسمی به معنای آسیب‌زدن و بدجنسی است. به‌نوعی استفاده از این نقش در گرا، برگرفته از پای این جانور به‌صورت خلاصه‌شده نقش‌دوزی و الهام گرفته شده است. گمان می‌رود این طلسم در کنار حیوانات دیگر قرار گرفته است و نشان‌گر باروری و نگهبان و محافظ برای بانوان است.



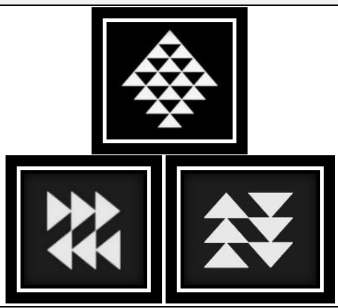
تصویر ٥: نقش گرا (مأخذ: نگارندگان)

نقش گرا: طرح منقوش بر روی این گَرا[1] (تصویر ٥)، ترکیبی از نقش هشت‌ضلعی است که در مرکز آن ستاره هشت‌پر قرار گرفته است. این ستاره به‌صورت نقوش مثلثی شکل کار شده است. تعداد ارقام این ستاره متغیر است. گاه به‌صورت ستاره شش‌پر و ستاره پنج‌پر می‌باشد. این نقش از طلسمات کیهانی به شمار می‌رود که در ردیف‌های چهارتایی این گرا کار شده است. در سرتاسر زمینهٔ این نقوش از رنگ‌های مشکی و قرمز استفاده و رنگ قرمز بیشتر به چشم می‌خورد که الهام گرفته از خون قرمزرنگ شهدا است. همچنین در ردیف آخر از سه رنگ پرچم کشور ایران استفاده شده است که می‌تواند یادآور پیروزی‌های این اقوم در جنگ‌ها و قهرمانان ملی این قوم و ملل جهان باشد. درواقع، استفاده از این ستاره به‌نوعی نشانه‌ای راهنما برای بشر در گذشته بوده و امروزه از آن بهره گرفتند و بر روی گرا نقش‌دوزی می‌کنند. به نظر می‌رسد این نقش دوزی‌ها علاوه بر اینکه جنبه زیبایی دارند، نشان‌دهندهٔ زنانگی نیز هستند. این ستاره هشت پر متشکل شده از اشکال هندسی مثلث نیز است که نشان‌گر این است که هنرمند از عناصر طبیعت ازجمله آب، باد، خاک و آتش در

1. gora

آن استفاده کرده است. هدف آن چنین بوده که مجموعه عناصر جهان را در بین این اقوام نشان دهد. جدول شمارهٔ ۱، به‌طور خلاصه نقوش طلسم دربارهٔ احتمال‌های موجود بر پوشاک را مرور می‌کند.

جدول ۱: نقوش طلسم بر روی پوشاک (مأخذ: نگارندگان)

منطقه	نقش پیراهن	تصویر
کلات، زاوین، لایین	استفاده از نقش طلسم هندسی	
	نقش گرا	**تصویر**
لایین	استفاده از نقش طلسم کیهانی	
	استفاده از نقش طلسم جانوری	
	نقش نواربافی	**تصویر**
کلات، زاوین، لایین	استفاده از نقش طلسم هندسی، جانوری، اسماء خدا	

نقوش طلسم موجود در زیورآلات اقوام کرد خراسان رضوی (کلات، لایین، زاوین)

در ابتدای امر، زیورآلات بر روی تن‌پوش‌های زره‌ای با طرح‌ها و نقش‌های مختلفی بوده است. به نظر می‌رسد این نقش‌ها از فرم‌های هندسی همراه با حروف بوده که روی آن‌ها توسط پهلوانان و جنگجویان مبارز حک‌شده و ساخته می‌شده است. این امر در دوره‌های پیشین و اقوام دیگر نیز سابقه داشته است (Price, 2012: 55-67). زیورآلات، تزئیناتی بود که از گذشته توسط کردها استفاده می‌شد. طبق برخی از تحقیقات انجام‌شده، مردمان کرد که در ایران زندگی می‌کردند، از اولین مردمی بودند که با صنعت طلاکاری، فلزکاری و نقره‌کاری آشنا بودند (Sarshar, 2019). هدف اولیه استفاده از طلسم، بر روی زره‌های جنگی در جهت حفظ از خطر دشمن بود، اما این امر در دوره معاصر هم به‌نوعی دیگر ادامه یافت. در ادامه نقوشی از زیورآلات اقوام کرد جغرافیای موردمطالعه بیان می‌شود که ارتباط با طلسم دارند.



تصویر ٦: نقش بازوبند (مأخذ: نگارندگان)

نقش بازوبند: این نقش متشکل شده از دو مستطیل و بر روی صفحات بزرگ آن نقش‌هایی همچون دایره و بیضی قلم‌زنی شده است (تصویر ٦). در اتصال این دو مستطیل، سه لوله استوانه‌ای شکل قرار گرفته است که روی هر یک از لوله‌ها، آیه‌الکرسی حک شده است. بدنه صفحات بزرگ مستطیلی شکل، از جنس فلز و با سنگ‌های عقیق تزئین شده‌اند و اما لوله‌های استوانه‌ای شکل که در وسط این دو صفحه قرار گرفته‌اند، از جنس نقره می‌باشند. به نظر می‌رسد در قدیم بر روی این غلاف، آیات مختلفی همچون آیه‌الکرسی و گاهی سوره الناس را به‌عنوان دعا قلم‌زنی می‌کردند. در برخی موارد، آیات را بر روی کاغذ نوشته و داخل هر یک از لوله‌ها قرار می‌دادند و سر آن را با لحم‌کاری محکم می‌کردند. پهلوانان و جنگجویان مبارز در قدیم برای نبردشان در برابر شمشیر دشمن از این بازوبندها استفاده می‌کردند، چراکه ابتدای امر ضربه بر بازو وارد می‌شود و این بازوبند نوعی ایمنی و عایقی روی بازو بوده است، اما امروزه به دلیل گران بودن آن‌ها، بانوان از گل سینه که گل پنچپر و مزین به سنگ‌های عقیق و فیروزه است، برای نوعروسان استفاده می‌کنند.

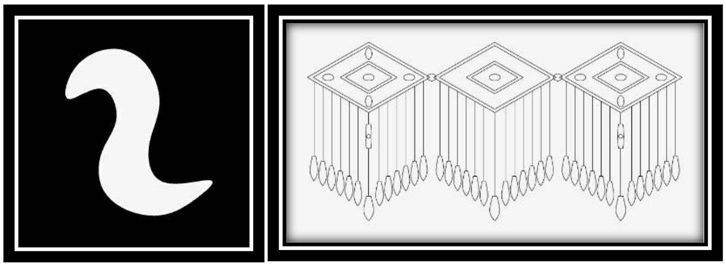
استفاده از این زیور، به فرد شخصیت فاخری می‌دهد. بازوبند فلزی نقش حضرت امیرالمؤمنین(ع) را دارد. گمان می‌شود این نوع طلسم اغلب مذهبی باشد، چراکه آیات قرآنی با خط نستعلیق بر روی آن قلم‌زنی و حک شده‌اند. بستن آن دور بازوی عروس نشانه مقدسی دارد و بر این باورند که الگوی زندگی او باید حضرت فاطمه زهرا(ع) باشد. سورۀ ناس به‌نوعی در روح و روان فرد تأثیرگذار است، چراکه همراه داشتن آن انسان را از شر وسوسه شیطان و جن دور می‌کند و هیچ‌گونه چشم‌زخمی و سحری بر روی آن تأثیر ندارد و همیشه محفوظ می‌ماند. آیت‌الکرسی سوره‌ای است که راه رسیدن به مقصود خود و از عظمت خداوند سخن می‌گوید و هر شخص آن را همراه خود داشته باشد در برابر چشم بد محافظت می‌شود، اما اقوام کرد برای حفاظت از کودکان از نوعی تعویذ استفاده می‌کنند که برگرفته از اشیاء مانند دانۀ اسفند و مهره‌های آبی، صدف خاصی به نام کوجیک[1] است که آن را با سنجاق‌قفلی به شانه چپ کودک و یا جلوی سربند قنداق نوزاد نصب می‌کنند و معتقدند که دانه‌های اسفند چشم‌زخم حشرات را دور می‌کند.

1. Koji



تصویر ۷: نقش بازوبند (مأخذ: نگارندگان)

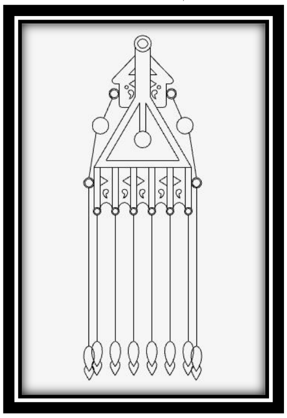
نقش بازوبند: نقش کلی این بازوبند در صفحات بزرگ از اشکال هندسی دایره‌ای شکل است که بر روی این صفحات حفره‌های ریزی به‌صورت دایره مزین به قلم‌زنی با نگین‌های عقیق تشکیل شده است (تصویر ۷). در قسمت پایین آن، رشته‌هایی از زنجیر به صفحات کوچکی متصل است که دارای ستاره شش‌پر هستند. در دو طرف این بازوبند، دو لوله استوانه‌ای شکل قرار گرفته است. روی هر یک از این لوله‌ها، خطوطی و اشکالی ناخوانا حک شده است. تمام صفحات این بازوبند از جنس نقره -یکی از فلزات پرکاربرد در مصارف زیورآلات اقوام کرد- است. در این نوع از بازوبند، خطوطی که روی لوله‌ها قلم‌زنی شده کاملاً ناخوانا و به نظر می‌رسد که جز آن دسته از طلسم‌های مربوط به امور ماوراءالطبیعه باشند که فهم، درک و خواندن آن‌ها برای همگان میسر نیست. سنگ‌های به‌کاررفته بر روی این بازوبند موجب تقویت انرژی و از بین بردن ترس در انسان می‌شود. استفاده از نقش ستاره بر روی صفحه دایره‌ای شکل، نشانهٔ کیمیاگری است. کارکرد آن به‌منظور محافظت از هرگونه چشم بد و مانع از نیروی جادو است.



تصویر ۸: نقش چپ و راسته (مأخذ: نگارندگان)

نقش چپ و راسته: این نقش برگرفته از اشکال هندسی زیگزاک‌مانند که یک قلاب لوزی شکل، سه‌تکه و قرینه مزین به قلم‌زنی با نگین‌های عقیق، لاجورد و شیشه‌های رنگی تشکیل شده است که برای بستن یَل و جیلیزقه مورد استفاده قرار می‌گرفته است (تصویر ۸). در انتهای زنجیره‌ها، آویزی از صفحه اصلی صفحات کوچک بیضی‌شکل به‌کاررفته است که این آویزها شبیه سر مار و بدنه مار بوده است. جنس این حمایل از مفتول است. این نوع زیور در قدیم توسط مردان جنگجو برای محافظت از آنان در برابر هرگونه گزند دشمن به‌عنوان کمربند بسته می‌شده است. امروزه بانوان آن را برای نوعروسان و افراد معمولی برای جشن‌ها استفاده می‌کنند که علاوه بر زیبایی یادآور دلاورانی است که در برابر دشمن ایستادگی کرده‌اند. فرم انتزاعی مار برگرفته از طلسمات جانوری است که فراوان به شکل‌های متفاوتی در اکثر زیورآلات استفاده می‌شود. طرح کلی این حمایل، نوعی قلاب کمر به‌حساب می‌آید که نشان از حفاظت و قوت یافتن کمر است. شاید دلیل استفاده از مار در زیورآلات بدین گونه است که این حیوان اهلی و همیشگی این قوم در کوه‌ها و دشت‌های این خطه کوهستانی به شمار می‌رفته و در دستباف‌هایشان مانند گلیم نیز می‌توان این نقش را مشاهده

کرد. مار یادآور حرکت موزون در بیابان‌های خشک است. در زیورآلات اقوام کرد، نقش S و به شکل بیضی مانند دیده می‌شود. این آویزها در اتصال با لباس برای جلوگیری از یکنواختی و برای زیبایی بخشیدن به این زیورآلات بر روی تن‌پوش‌های امروزی بانوان به‌کاررفته است که اکثراً به دلیل تکان خوردن و به صدا درآوردن زنجیره‌ها و آویزها به هنگام رقصیدن و پایکوبی در جشن‌ها و عروسی‌ها بر شور و شعف و شادی این مراسم می‌افزاید. هنگامی‌که دو لوزی در هم قلاب شوند نماد چشم و پیروزی است که چشم بد و ارواح خبیثه را دور نگه می‌دارد و استفاده از سنگ‌های عقیق در این زیورآلات باعث شادی و سلامتی و ایجاد پایداری و دورکننده امواج منفی در بین این اقوام بوده است.



تصویر ۹: نقش گار یا گشواره (مأخذ: نگارندگان)

نقش گار: نقش هندسی که از مثلث متساوی‌الساقین تشکیل‌شده و به آن حلقه‌های دایره‌ای شکل به رشته‌های زنجیر متصل است (تصویر ۹). ریشه‌های آویز آن به شکل بیضی که از سر مار الهام گرفته است. فلز نقره یکی از فلزات باارزش برای انسان بوده و از یاری صنعت‌گران که در کار فلز بودند بهره می‌جستند. همچنین نگین‌کاری از تزئینات جدایی‌ناپذیر و از دیگر شگردهای سازنده زیورآلات کردی به شمار می‌آید. استفاده از نگین‌های زمرد، یاقوت، فیروزه و عقیق به رنگ‌های سبز، قرمز، نارنجی و آبی بر روی سطوح براق نقره‌ای خودنمایی کرده و با اضافه کردن رنگ به این ساخته‌های زینتی، زیبایی طرح و نقش آن را دوچندان می‌کند. به‌مرور زمان و به دلیل گرانی و کمیاب شدن سنگ‌هایی نظیر یاقوت، زمرد و فیروزه، هنرمند کرد سنگ عقیق را جانشین این سنگ‌ها ساخته و به‌کرات در نمونه‌های قدیمی مشاهده می‌شود. گار زیوری است که در قدیم تاکنون بر روی لباس و کلاه مورد استفاده قرار می‌گرفته است. نقش‌های موجود در این زیور از دسته طلسمات هندسی و جانوری الهام گرفته‌اند. کاربرد سنگ عقیق و برخی المان‌های دیگر، زیورآلات کرد را به زیورآلات ترکمن شبیه می‌کند، زیرا عقیق از شاخصه‌های زیورآلات اقوام ترکمن بوده و هست. در این زیورآلات، با سلیقهٔ هنری هنرمند و بر اساس جنبهٔ زیبایی‌شناسانه آن به‌صورت تکی و دوتایی در اعداد زوج و فرد به شکل قرینه به‌کاررفته‌اند که برای دفع چشم بد بسیار مؤثر بوده است. این گار در قدیم بر روی لباس به‌نوعی قدرتمندی و مانع جلوگیری از خون‌ریزی می‌شده است، اما امروزه بر روی تن‌پوش بانوان حکم الهه باروری را دارد و برای تقویت قوای تولیدمثل از روح جدید حمایت می‌کند.



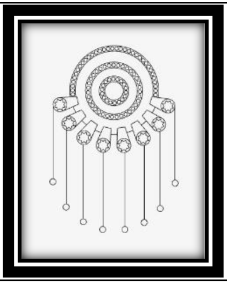
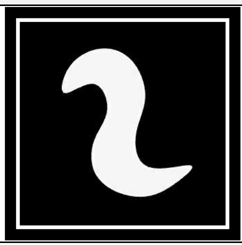
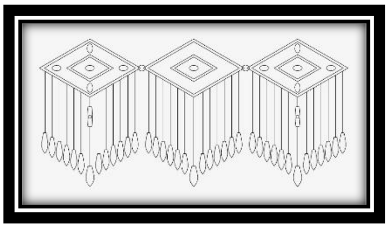
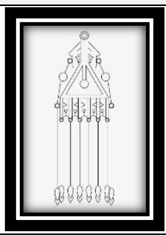
تصویر ۱۰: نقش سکه (مأخذ: نگارندگان)

نقش سکه: طرح‌های منقوش بر سکه‌های اولیه، نمادهایی بودند که کیفیت و وزن فلز گران‌بهای مورد استفاده را تضمین می‌کردند. رفته‌رفته از ارزش آن کاسته و سکه جزئی از نماد و تزئینات لباس محسوب شد (Howgego, 2002). سکه‌دوزی رسمی کهن است و در هر دوره از سکه‌های رایج همان دوره جهت این امر استفاده می‌شده است (تصویر ۱۰). جنسیت این نوع سکه در قدیم از طلا و نقره و امروزه از نوع فلز نیکل استفاده می‌کنند. نقش قلم‌زنی شده بر روی سکه، تصویر شیر و خورشید است. این نقش در پوشاک این منطقه برگرفته از دوره صفویه است. این نقوش در دسته طلسمات جانوری و کیهانی به شمار می‌روند. شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه کرد و جنگ و ستیز آنان با مهاجمان مرزی خراسان نوع خاصی از زندگی را می‌طلبید. آمادگی همیشه مردان در میدان جنگ و غیبت آنان، هنرمند را وادار به ساخت زیورآلاتی سخت، سنگین و قطور می‌کرد که علاوه بر زیبایی، وسیله‌ای برای دفاع زنان کرد به‌حساب می‌آید. این نوع سکه‌دوزی سر، سینه و شکم زنان را پوشش و از آن‌ها محافظت می‌کند. به کار گرفتن نقش شیر و خورشید به‌منظور نگهبانی و قرار گرفتن خورشید در کنار آن نشانهٔ مقدسی همچون الگوی حضرت علی(ع) است که به‌نوعی محافظ و نگه‌دارندهٔ انسان در برابر ارواح خبیثه است. گاهی درون سکه‌ها را سوراخ و داخل آن حفره‌هایی ایجاد می‌کردند. آن را با سنگ‌های عقیق مزین می‌کردند تا چشم بد از آنان دور باشد. علاوه بر این، بانوان این سکه‌های ارزشمند را به‌عنوان پس‌انداز و هم تزیین به لباس‌هایشان می‌دوختند. شاید آنان امن‌ترین مکان را برای جمع‌آوری دارایی‌شان، تن و لباس می‌دانستند تا از این طریق هم ثروتشان را به زنان دیگر قبایل نمایش دهند و هم بر زیبایی اموالشان بیفزایند و در صورت نیاز از سکه‌های دوخته‌شده بر لباس استفاده کنند.

در جدول شماره ۲، به‌طور خلاصه، نقوش طلسم و احتمال‌های موجود بر زیورآلات آمده است.

جدول ۲: نقوش طلسم بر روی زیورآلات (مأخذ: نگارندگان)

منطقه	نقش بازوبند	تصویر
کلات	استفاده از نقش طلسم هندسی، آیات، سنگ عقیق	

زاوین	استفاده از نقش طلسم هندسی، گیاهی، سنگ عقیق	
	نقش چپ و راسته	**تصویر**
کلات، زاوین، لایین	استفاده از نقش طلسم جانوری	
	استفاده از نقش طلسم هندسی، جانوری، سنگ عقیق	
	نقش گار	**تصویر**
لایین	استفاده از نقش طلسم جانوری، هندسی، سنگ عقیق	
	نقش سکه	**تصویر**
کلات، زاوین، لایین	استفاده از نقش طلسم کیهانی، جانوری	

نتیجه‌گیری

فهم پوشاک و زیورآلات یکی از راه‌های انسان‌شناسی و درعین‌حال، بازشناسی هنر سنتی است. اقوام کرد در خراسان رضوی، از دیرباز فرهنگی قابل‌توجه را به همراه داشته‌اند. این پژوهش گامی برای تبیین بیشتر جنبه‌های هنری و فرهنگی اقوام کرد خراسان رضوی با تأکید بر روستاهای کلات، لایین و زاوین است. این پژوهش نشان می‌دهد که تنوع پوشاک و زیورآلات در اقوام کرد بسیار و در پی آن، نقوش متنوعی برای تزئین لباس و زیورآلات استفاده شده است، اما تمام این نقوش به طلسم و امور ماورایی

ارتباط ندارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نقش این پوشاک و زیورآلات از طبیعت اطراف الهام گرفته و به‌صورت نقش‌های هندسی ظاهر شده است. رنگ نخ‌ها و پارچه‌ها از گیاهان دارویی مثل شویشک، پوست گردو، گیاه، گل سریشم و یک نوع سنگ معدنی قرمزرنگ تهیه می‌شده است. دربارهٔ نقوش طلسم بر روی زیورآلات باید بیان داشت که در گذشته و تاکنون استفاده از بازوبندهای فلزی بیشتر در مناطق کلات و لایین مورد استفاده و در منطقهٔ زاوین، چندان مرسوم نبوده است. نقوش مشترک زیورآلات و نواربافی‌ها برگرفته از نقش‌های هندسی، جانوری و کیهانی و استفاده از سنگ عقیق است. می‌توان سایه‌ای از علوم غریبه را در بین اقوام کلات، لایین و زاوین در نقوش طلسمی آن‌ها مشاهده کرد. درنتیجه، با وجود طلسم در این آثار، می‌توان نسبت به پیشینه فرهنگی و اعتقادی هر نقش آگاهی پیدا کرد. در این پژوهش، خوانشی نو مبتنی بر نگاه هنری به گونه‌شناسی نقوش در پوشاک و زیورآلات اقوام کرد کلات، لایین و زاوین ارائه شد. این پژوهش نشان می‌دهد که نقوش در آثار موردمطالعه را می‌توان به چهار دسته طلسم هندسی، جانوری، کیهانی و آیات طبقه‌بندی نمود. نقوش بر اساس تخیلات و علوم غریبه برخاسته از دل اعتقادات و باورهای این اقوام بوده که بار معنای نمادین همان روزگار را به دوش می‌کشند، اما می‌توان این زمینهٔ مطالعاتی را ادامه داد. به‌عنوان آیندهٔ پژوهش، می‌توان در عرصهٔ طراحی پارچه و لباس با توجه به گامی نو که در این زمینه برداشته شده است، قدمی استوارتر و بلندتر برداشته و پژوهش را فراتر ازآنچه هست بررسی کرد. به دلیل کمبود منابع در این زمینه، پیشنهاد می‌شود که بررسی‌های بیشتری بر روی موضوع نقوش طلسم استفاده در پوشاک و زیورآلات انجام گیرد.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، سمیه. (۱۳۹۳). «احکام علوم غریبه و مبانی آن در فقه امامیه». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

۲. ابول‌تختی، سمیرا. (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی صنایع‌دستی بر مبنای مطالعهٔ جامعه هنرمند و اثر هنری، مطالعهٔ موردی: زیورآلات سنتی کرمانج خراسان شمالی». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. تهران: دانشگاه الزهرا(س).

۳. افضل‌طوسی، عفت‌السادات؛ و مونس سنجی. (۱۳۹۳). «آرایه‌ها و نگاره‌های مرتبط با چشم‌زخم در دستبافته‌های اقوام ایرانی». ***نگره***. (شماره ۳۱)، ۷۹-۹۴.

۴. امیدی، ناهید. (۱۳۸۲). ***دیده و دل و دست: پژوهشی در پوشاک و هنرهای سنتی خراسان***. مشهد: آستان قدس رضوی.

۵. انصاری، مرتضی. (۱۴۴۰). ***کتاب المکاسب***. بیروت: موسسه النعمان.

۶. آشتیانی، محسن. (۱۳۸۵). ***آیه‌الکرسی طلسم عظیم القدر***. قم: زهیر.

۷. بابایی، پروین؛ و فاطمه اکبری. (۱۳۹۶). «بررسی جایگاه سکه در زیورآلات و تزئینات پوشاک زنان در ایران». ***فرهنگ مردم ایران***. (شماره ۴۸-۴۹)، ۶۷-۸۴.

۸. تناولی، پرویز. (۱۳۸۵). ***طلسم گرافیک سنتی ایران***. تهران: بن گاه.

۹. توحدی، کلیم‌الله. (۱۳۶۶). ***حرکت تاریخی کرد به خراسان***. ج۳. مشهد: مؤلف.

۱۰. چیت‌ساز، محمد. (۱۳۸۶). ***تاریخ پوشاک ایرانیان***. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۱. حصوری، علی. (۱۳۸۱). ***مبانی طراحی سنتی در ایران***. تهران: چشمه.

۱۲. خالدی، شهریار؛ و همکاران. (۱۳۹۰). «بررسی اقلیم گردشگری استان خراسان رضوی جهت توسعه اقتصادی». ***پژوهشنامه خراسان بزرگ***. (شماره ۵)، ۹-۲۱.

۱۳. دین‌پرست، امید. (۱۳۹۱). ***اسرار منطقهٔ معنوی متافیزیک***. مشهد: آستان قدس رضوی.

۱۴. رحمانیان، داریوش و زهرا حاتمی. (۱۳۹۱). «سحر و جادو طلسم و تعویذ و دنیای زنان در عصر قاجار». ***جستارهای تاریخی***. (شماره ۶)، ۳۷-۴۴.

۱۵. رضاپور، حسین. (۱۳۹۷). «مطالعه تطبیقی نقوش به‌کاررفته بر پوشاک و گلیم اقوام ترک و کرمانج شهرستان کلات نادر با رویکرد انسان‌شناسی هنر». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. مشهد: موسسه آموزش عالی فردوس.

۱۶. سرابیار، ونوس. (۱۳۹۵). «بررسی تحلیلی و تطبیقی البسه محلی کردنشینان خراسان از منظر طرح و نقش،

مطالعهٔ موردی: لائین، قوچان، سرحد». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. یزد: دانشگاه علم و هنر.

۱۷. سیف، بهزاد. (۱۳۸۵). ***روانکاوی و علوم غریبه***. تهران: درسا.

۱۸. شیخی، علیرضا؛و همکاران. (۱۴۰۰). «مطالعه نقش پاپوش‌ها و نمادهای اصلی آن در اقوام زعفرانلو و شادلو ایل کرمانج خراسان». ***پیکره***. (شماره ۲۴)، ۱-۱۵.

۱۹. عسکری الموتی، حجت اله. (۱۳۹۵). «بازخوانی محتوایی نقوش سفال نیشابور در قرن چهارم هجری با محوریت باورهای مذهبی و پیش‌گویی‌های نجومی». ***پژوهشنامه خراسان بزرگ***. (شماره ۲۵)، ۱۵-۲۸.

۲۰. شیرانی، راضیه. (۱۳۸۸). «رویکردی نمادین و تصویری به طلسم‌های ایرانی». ***نقش‌مایه***. (شماره ۳)، ۲۱-۳٤.

۲۱. غیبی، سحر. (۱۳۹۴). «جایگاه طلسم و تعویذ در دوران قاجار و حضور و بروز آن در زیورآلات». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. تهران: دانشگاه سوره.

۲۲. غیبی، مهرآسا. (۱۳۹۱). ***۳۵۰۰ سال تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی***. ترجمه منوچهر غیبی. تهران: هیرمند.

۲۳. گودرزیان، آتوسا. (۱۳۸۷). «بررسی نقوش به‌کاررفته در آثار هنری وابسته به علوم غریبه و طلسم‌های ایرانی». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. تهران: دانشگاه هنر.

۲۴. مهماندوست، شیرین. (۱۳۹۰). «بازنمایی المان‌های به‌کاررفته در طلسمات». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. تهران: دانشگاه الزهرا(س).

۲۵. میراندا، میتفورد. (۱۳۹۴). ***دائره‌المعارف مصور نمادها و نشانه‌ها***. ترجمه معصومه انصاری و حبیب بشیرپور. تهران: سایان.

۲٦. نعمت شهربابکی، ابوالقاسم؛ و سمیه میرنژاد. (۱۴۰۰). «بررسی نقوش آویز بافته‌های طلسمی و تعویذی در سیستان و بلوچستان». ***پیکره***. (شماره ۲۴)، ۵۵-۷۲.

۲۷. ودایی، شادی. (۱۳۹۴). «بررسی نقوش طلسم‌ها و تعویذها از دورهٔ صفوی تا پایان دورهٔ قاجار». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. تهران: دانشگاه هنر.

28. Churchward, Albert. (2018). ***The Origin and Evolution of Primitive Man***. London: FB &c Ltd.

29. Dresser, Christopher. (1994). ***Traditional Arts and Crafts of Japan***. Mineola: Dover Publications.

30. Howgego, Christopher. (2002). ***Ancient History from Coins***. Thames: Taylor & Francis.

31. Longo, Anna and Sarah De Sanctis. (2015). ***Breaking the Spell***. Milan: Mimesis Edizioni.

32. Price, Massoume. (2012). ***Beauty & Fashion: History of Clothing and Jewellery in Iran***, Ottawa: Anahita Prod Limited.

33. Rappaport, Roy A. (1999). ***Ritual and Religion in the Making of Humanity***. Cambridge: Cambridge University Press.

34. Rossano, Matt J. (2020). ***Ritual in Human Evolution and Religion***. Thames: Taylor & Francis.

35. Sarshar, Houman M. (2019). ***The Jews of Iran: The History, Religion and Culture of a Community in the Islamic World***, London: Bloomsbury Academic.

36. Zipes, Jack. (2002). ***Breaking the Magic Spell***. Lexington: University Press of Kentucky.